

تبیین تحولات ساخت زراعی در جهت تداوم کارکرد کارا: مورد: نواحی روستایی غرب دریاچه ارومیه حسن افراخته^۱

استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی (پردیس بین‌المللی)

روزینا حنیفی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی (پردیس بین‌المللی)

اصغر طهماسبی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی (پردیس بین‌المللی)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

چکیده

ساختار زراعی مرکب از سه عنصر اصلی یعنی شیوه کشت، مرفولوژی زراعی و مجموعه مسکن روستایی بوده؛ و مالکیت مکمل این عناصر است و با درک آنها معنا پیدا می‌کند. با این فرض، اجزای فوق عناصر تشکیل دهنده یک چشم‌انداز روستایی خواهند بود که در اثر نیروها و عوامل مختلف متحول و دگرگون خواهند شد، به شکلی که تحول هر جزء دگرگونی اجزای دیگر را به دنبال خواهد داشت. پژوهش حاضر با هدف بازسازی مفهومی تحولات ساخت زراعی و عوامل تأثیرگذار بر آن در پنج روستای منتخب که در نواحی روستایی غرب دریاچه ارومیه قرار دارند (بخش مرکزی شهرستان ارومیه)، با رویکرد کیفی نظریه زمینه‌ای انجام شده است. نمونه‌ها به صورت هدفمند و با نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند که شامل روستاییانی بودند که در دو دهه گذشته کشاورز بوده‌اند. انتخاب نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری از ساکنان روستاهای مورد مطالعه ادامه داشت و در کل، ۵۵ نفر در این مطالعه شرکت کرده و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. داده‌های گردآوری شده در قالب ۴۲ مفهوم، شش مقوله عمده و یک مقوله هسته‌ای کدگذاری شدند. نتایج نشان داد درک پیامدهای تغییرات بخش کشاورزی به مثابه تحول در ساخت زراعی روستا و افزایش روی آوردن به مشاغل خدماتی، متأثر از یک سری شرایط بوده و در نتیجه تعاملات متعدد حاصل شده است. بر این اساس، در منطقه مورد مطالعه، به دلیل حاکمیت یک سری شرایط مانند عوامل محیطی (تغییرات اقلیمی)، عوامل اجتماعی و ساخت نهادهای سیاسی (سیاست‌های دولت) اقتصاد روستایی و الگوی کشت موجود در مناطق مورد مطالعه را با دو حالت مثبت و منفی تحول و تغییر مواجه کرده است.

واژگان کلیدی: ساخت زراعی، شیوه کشت، مرفولوژی زراعی، مجموعه مسکن روستایی، غرب دریاچه ارومیه.

مقدمه

ساخت زراعی^۱ عبارت است از مجموعه همبستگی‌های پردوام و عمیقی که میان انسان و زمین وجود دارد و مناظر روستایی بیانگر آن است. در مطالعه ساخت زراعی سه عنصر شیوه کشت (نظام زراعی)، مورفولوژی زراعی و مجموعه مساکن مطرح می‌شود. درک سازمان قلمرو زراعی در پهنه‌ی زمین از ضرورت‌های مطالعه ساخت زراعی است (لوبو، ۱۳۵۴: ۶؛ افراخته، ۱۳۷۸: ۱۲۵). ساخت زراعی در نواحی مختلف به اشکال گوناگونی شکل گرفته‌اند که متأثر از شرایط طبیعی، انسانی و نیز تصمیم‌سازی‌های سیاسی است (لوبو، ۱۳۵۴: ۶). از جمله علل طبیعی مؤثر در ساخت زراعی می‌توان به زمین‌شناسی، توپوگرافی، شیب زمین، اقلیم، منابع آب و نوع خاک اشاره کرد که معمولاً در زمان‌های کوتاه و پهنه‌های کوچک‌تر تغییرات محسوس‌ی ندارد ولی در زمان به‌طور نسبی طولانی‌تر تغییرات آن‌ها نیز محسوس و مشهود است (زنگنه‌تبار، ۱۳۷۶: ۱). همچنین، شرایط انسانی مؤثر در ساخت زراعی از جمله سیاست‌گذاری دولتی، نظام مالکیت، نیروی انسانی، تکنولوژی، عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و به ویژه سیستم بازار در معرض تغییرات آنی‌تر قرار می‌گیرد که به نوبه خود ساخت زراعی و عناصر آن را دچار تحول می‌سازد (آمار و رضایی، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

ساختار فضایی که خود شامل ابعاد بسترساز روابط و مناسبات اجتماعی-اقتصادی است و می‌تواند به مثابه قالب فعالیت‌ها و روابط حاکم بر آن‌ها در نظر گرفته شود. این ساختار فضایی به همراه کارکردهای خود یک نظام فضایی را ایجاد می‌کند (سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۱). بنابراین ساخت زراعی جزئی از نظام فضایی بزرگ‌تر است. از آنجا که خصلت بنیادین هر نظام فضایی، پیوستگی درونی اجزای مختلف آن‌هاست، بین ساختارهای مختلف و کارکردهای گوناگون هر نظام نوعی هم‌پیوندی و هم‌نوایی برقرار است. در واقع، همین هم‌نوایی است که نوعی پویایی درونی در سرتاسر نظام برقرار می‌سازد که تا کوچک‌ترین اجزای آن را همچون شبکه‌ای از اتصالات، به یکدیگر مرتبط می‌سازد. بدین ترتیب، هر جزء ساختاری، جزء کارکردی خود و روابط حاکم بر آن را امکان‌پذیر یا پدیدار می‌سازد. بدین ترتیب، هرگونه تغییر در یک جزء، به واسطه‌ی همین هم‌پیوندی‌ها و اتصالات درون شبکه‌ی اجزای نظام، قاعداً بایستی آن‌چنان سنجیده و اندیشیده باشد که تبعات اثرگذار آن در سایر اجزا به درستی پیش‌بینی گردد (سعیدی، ۱۳۹۱: ۲۲-۲۳).

جهت شناخت بهتر و درک تحولات یک پدیده‌ی فضایی نیاز است تا هر یک از عوامل درونی و بیرونی به درستی شناسایی شده و روابط بین آن‌ها و پدیده‌ی مورد نظر تبیین گردد. این عوامل با شدت و ضعف گوناگون در مناطق مختلف جهان و در زمان‌های مختلف بروز می‌کند. به تبع این موضوع، در کشور ما نیز چنین شرایطی حاکم خواهد بود. به ویژه آنکه ایران کشوری است با تنوع شرایط طبیعی و انسانی گوناگون و گاه متضاد که شرایط اجتماعی - اقتصادی مختلفی را ایجاد می‌کند. این‌گونه عوامل به علت درهم تنیدگی عناصر فضای جغرافیایی اثرات و نمودهای یکسانی نداشته و در نتیجه تحولات متفاوتی در گذر زمان و در مناطق مختلف کشور مشاهده خواهد شد. از آنجایی که هر یک از نواحی کشور ما نیز دارای ویژگی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و طبیعی است، ممکن است

^۱ - Agrarian structure

تحولات مختلفی را پشت سر بگذارند. تحولاتی که گاه آشکار و گاه چندان آشکار نیستند و بایستی به طور عمیق‌تری مورد مطالعه قرار گیرند. به همین ترتیب، پیامدها و نتایج آن‌ها نیز لزوماً آشکارا و در معرض دید همگان قرار ندارد. گاه پیامدها را باید با دیدی عمیق‌تر جستجو کرد به ویژه آنجا که پیامدها در ابعاد اقتصادی-اجتماعی و به طور کلی انسانی باشد. بخش غربی دریاچه ارومیه در سال‌های اخیر شاهد تحولات مختلف اکولوژیکی (خشک شدن دریاچه ارومیه)، اجتماعی و اقتصادی بوده است که اثرات آن در تحول ساخت زراعی قابل تأمل است. تحولات مزبور بی‌گمان در کمیت و کیفیت تولیدات اثرگذار است و در صورت عدم مدیریت صحیح و پویا، می‌تواند موجب ایجاد و تشدید مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی شده توسعه پایدار منطقه را در معرض خطر قرار دهد. بنابراین، براساس موارد گفته شده، تحقیق حاضر ضمن مطالعه ساخت زراعی ناحیه و عوامل مؤثر آن، تغییرات و تدابیر لازم جهت پویایی و توسعه آتی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

مبانی نظری و پیشینه

با توجه به روش تحقیق حاضر، ارائه مبانی نظری ضرورتی الزامی نیست. در این روش، محقق می‌کوشد نظریه را از داده‌های واقعی استخراج و تدوین کند و البته نظریه‌های علمی موجود در محدوده مطالعه را نیز می‌تواند ارائه کرده، یافته‌های خود را با آنها مقایسه کند. اگر بین یافته تحقیق و نظریه‌های موجود شباهتی باشد، نشان از قوت کار است و اگر مشابهتی یافت نشود، مؤید ممتاز بودن تحقیق و بومی بودن آن خواهد بود (افراخته و قرنجیک، ۱۳۹۴: ۱۵۷). در مطالعه ساخت زراعی، بررسی سه عنصر ضرورت دارد که عبارت‌اند از، شیوه کشت (نظام زراعی)، مورفولوژی زراعی و مجموعه مساکن که مبین شکل مشخص و نحوه اشغال زمین و درک سازمان قلمرو زراعی در پهنه زمین است (افراخته، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

نظام زراعی به عنوان یکی از ارکان مهم ساختار زراعی محسوب می‌شود که در چهره و چشم‌انداز نواحی روستایی نمایان است. نظام زراعی از اجتماع و اشتراک کشت‌های مختلف در یک بهره‌برداری شکل می‌گیرد که بین خود پیوندهایی به صورت همزیستی، اتکایی، جانشینی برقرار می‌سازد (دولفوس، ۱۳۷۰: ۶۹؛ درئو، ۱۳۷۴: ۱۹۲). این شیوه هم کاشتی گیاهان را که یک جامعه روستایی به منظور استفاده بیشتر از زمین‌های خود انتخاب می‌کند و نیز دوران کشت‌ها و فنونی را که با کشت این گیاهان بستگی دارد، شیوه کشت می‌نامند (لوبو، ۱۳۵۴: ۹). نظام‌های زراعی بر مبنای خصوصیات جغرافیایی و مقتضیات زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند. الزامات این دگرگونی‌ها از زوایای گوناگون توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

باتوجه به اینکه ساختار بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی ضریب امکان دسترسی به اهداف بخش می‌باشد و مطلوبیت دستیابی به اهداف تابع ترکیب بهینه‌ی اجزای نظام تولیدی است، بنابراین سیمای واقعی نظام موجود را باید ترسیم کرد، نارسایی‌ها را مشخص نمود تا بتوان قدرت عملکرد آن‌را به سنجش گذاشت و ترکیب بهینه‌ای از آن طراحی نمود (افراخته و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳). بنابراین بررسی مورفولوژی زراعی (عناصر دوم ساخت زراعی) در این مسیر بسیار مؤثر و مفید خواهد بود. مورفولوژی زراعی یا چشم‌انداز زراعی است که نشانگر قطعات کشت و نحوه قرارگیری آن در کنار هم است. این قطعات براساس نظام مالکیت و اکولوژی منطقه به اشکال مختلف شکل می‌گیرد، چنان که در نظام‌های زراعی اشتراکی و جمعی قطعات کشت وسیع‌تر و فاقد هر نوع حصار است. اما

در نظام‌های با مالکیت خصوصی قطعات کشت محدودتر و بر حسب اکولوژی منطقه و تکنولوژی رایج به وسیله انواع حفاظها و حصارها از یکدیگر تفکیک می‌شود (لوبو، ۱۳۵۴: ۱۲). مورفولوژی زراعی بر حسب سیستم آبیاری نیز متغیر است به گونه‌ای که در نظام‌های غرقابی قطعات کشت باید مسطح باشد. به همین دلیل اراضی مورد کشت در مناطق پایکوهی ناهموار و به صورت پلکانی تراس‌بندی می‌شود. حضور و یا عدم حضور دام در قلمرو زراعی نیز مورفولوژی زراعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نقاطی که دام در فضای روستایی رها و آزادانه چرا می‌کند طبعاً باید کشت از نوع بسته باشد و جامعه شاهد وجود مزارع بسته خواهد بود و برعکس وجود مزارع باز بیانگر عدم حضور دام در فضای زراعی است (نظری، ۱۳۷۲: ۱۴۳). همچنین، مورفولوژی زراعی در واقع ساخت مکانی فضاهای زراعی روستاها را تشکیل می‌دهد، که می‌توان به چگونگی شکل مزارع روستاها، راه‌های بین مزارع، فواصل بین مزارع، اندازه قطعات زراعی، طرز قرار گرفتن راه‌های ارتباطی، حصارهای مزارع و نوع آنها اشاره شود (افراخته، ۱۳۷۸: ۱۲۷؛ زنگنه‌تبار، ۱۳۷۶: ۱۸). عنصر سوم ساخت زراعی مجموعه مساکن با بوم زراعی است. در نظام مسکن سه زیرمجموعه پراکندگی یا تمرکز، تیپ مسکن یا ضمایم مسکن (انبار محصول، محل نگهداری دام، خزانة کشت و...) و مصالح ساختمانی بررسی می‌شود. بدیهی است که هر نوع کشتی مقتضیات مسکونی خاص خود را می‌طلبد (لوبو، ۱۳۵۴: ۸؛ افراخته، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

خادم آدم (۱۳۷۰) با بیان اینکه نظام زراعی در کشور ما عمدتاً از نوع سنتی (نظام دهقانی) است؛ اولاً نسبت و ترکیب عوامل تولید در این واحدها مطلوب نیست و ثانیاً میزان کل تولید آن‌ها به لحاظ ایجاد درآمد سرانه با سایر واحدها (به‌ویژه نوع تجاری) هماهنگی ندارد (خادم آدم، ۱۳۷۰: ۹۵). این جاست که در بررسی نظام زراعی نقش فعالیت رقیب باید بررسی شود. در همین راستا ولدخانی (۱۳۷۰)، دهقان و بافکر (۱۳۷۰) نیز ضمن تأکید بر ضرورت‌های تحول در نظام‌های تولید سنتی در بخش کشاورزی، به نقش عواملی چون سرمایه، تکنولوژی، نیروی کار، به‌کارگیری نهادهای پربازده و مدیریت کارآمد به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در این فرآیند می‌پردازند. همچنین، جرجینسون (۱۹۶۱) با تمرکز بر نیروی کار، تحولات نظام زراعی را در پرتو عواملی چون رشد فنی، کشت تولید در بخش کشاورزی نسبت به تغییرات نیروی کار در همان بخش و کاربرد تکنولوژی جدید در تولیدات کشاورزی می‌داند (هایامی و روتان، ۱۳۷۸: ۲۱) در کنار اندیشمندانی چون ارینر (۱۹۵۷)، کارول (۱۹۶۱)، راوپ (۱۹۶۹) و باراکلف (۱۹۷۳) معتقدند که موانع نهادی مهم‌ترین عامل در توسعه تولیدات زراعی و خروج این بخش از حالت خود مصرفی است (آشیر و استاز، ۱۹۸۵: ۲۰) که لازمه آن اصلاحات بنیادین به ویژه در عامل زمین است.

حسن‌نژاد (۱۳۷۳)، در مطالعه‌ی خود با هدف "بررسی ساختار زراعی و روند تحولات آن در روستاهای دشت مهاباد" بر این اعتقاد است که وجود مالکیت‌های کوچک زراعی، قطعه‌قطعه بودن اراضی بر الگوی کشت و نظام بهره‌برداری از اراضی در پیوند با شرایط زمانی تأثیر گذاشته است به طوری که زارعین از الگوی کشت و نظام سنتی تولید پیروی نمی‌کنند. همچنین، نتایج مطالعه‌ی زنگنه‌تبار (۱۳۷۶) که با هدف "تحولات ساخت زراعی در مناطق روستایی کرمانشاه" طی دوره زمانی (۱۳۷۵-۱۳۴۰) در دهستان قره‌سو انجام شده، نشان داد که عوامل طبیعی، ویژگی‌های اجتماعی، مالکیت، نزاع‌های محلی و میزان بهره‌وری از تکنولوژی در ساختار زراعی و تحول و شکل‌دهی ساختار زراعی منطقه مؤثر بوده است. در پژوهشی دیگر نیز، اسماعیلی (۱۳۷۴) در مطالعه‌ای به "بررسی دگرگونی ساخت

زراعی روستاهای شهرستان الیگودرز" پرداخت. نتایج این مطالعه که با روش تحلیلی - توصیفی انجام شده، نشان داد که اصلاحات ارضی، قانون ارث، و روند تکنولوژی و سرمایه‌های غیربومی در تحول ساختار زراعی منطقه مؤثر بوده است. به عبارتی در این مطالعه نیز به مواردی از جمله عوامل اجتماعی - فرهنگی و عوامل تکنولوژیکی که بر تحول در ساختار زراعی مؤثر هستند، اشاره شده است. همچنین، حسن‌آبادی (۱۳۷۹) در مطالعه‌ی خود با هدف بررسی تحولات ساختار زراعی روستاهای دهستان پیوژن بخش احمدآباد مشهد طی دوره زمانی (۱۳۷۵-۱۳۴۵) به بررسی نیروها و عوامل تأثیرگذار برونزا که مسبب دگرگونی‌های عمیقی در روستا شده پرداخته است. این نیروها و عوامل برونزا نتوانسته‌اند زمینه‌های تحولات مثبت را فراهم کنند. عوامل مذکور شامل تفکیک اراضی به نسق‌های ریز و پراکنده که به عنوان یک مانع جدی در به‌کارگیری روش‌ها و شیوه‌های نوین کشاورزی، از بین رفتن سازمان‌های کار و تولید گروهی بدون جایگزین کردن نظام مناسب در امر تولید، خارج شدن بسیاری از قنوت از چرخه تولید زراعی، تقابل روش‌های نو سنتی، تشدید روند مهاجرت و به تعبیر دیگر روستا‌گریزی، تخلیه سکونتگاه‌های روستایی، انبوه مهاجران روستایی سرگردان در شهرها، به طور کلی فروپاشی بسیاری از عرصه‌های روستایی را می‌توان از این جمله برشمرد.

مرادی (۱۳۷۹) در مطالعه‌ی خود با هدف "تحولات مورفولوژی زراعی سکونتگاه‌های روستای" طی دوره زمانی (۱۳۷۵-۱۳۴۱)، دهستان بابا رسانی (شهرستان بیجار) بر این اعتقاد است که عواملی همچون اصلاحات ارضی، رواج خرده مالکی، به‌کارگیری تکنولوژی مدرن و تغییر در روابط شهر و روستا را از عوامل مؤثر در تحولات مورفولوژی زراعی در دوره‌ی ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ بوده است. افراخته و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی به بررسی تحولات مورفولوژی زراعی سکونتگاه‌های روستایی دهستان صالحان (شهرستان خمین) دوره‌ی زمانی (۱۳۸۵-۱۳۴۱) پرداختند. آن‌ها با تأکید بر تحول‌پذیری مورفولوژی زراعی به عنوان یکی از اجزای ساخت زراعی سکونتگاه‌های روستایی، آن را موضوعی ساختاری - کارکردی دانسته‌اند و عوامل اصلی این تحولات را تغییر در مالکیت، استفاده از ادوات و گونه‌های جدید کشت و تغییر نوع منبع آب زراعی دانسته‌اند. پژوهش مذکور تحولات به وجود آمده را مثبت ارزیابی نموده و آن را زمینه‌ساز افزایش اشتغال و درآمد روستاییان دانسته است. افراخته و قرنجیک (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با هدف بررسی تحول نظام زراعی، عوامل و عواقب آن بر اساس ویژگی‌های نظام زراعی شهرستان ترکمن در سال‌های ۱۳۷۰-۹۰، نشان داد که الگوی کشت منطقه به تبعیت از سیاست گذاری دولت، بازدهی زمین و محصول، درآمد کشاورزان و تقاضای بازار دچار تحول شده و امروزه، کشت گندم و جو، به دلیل سیاست‌های حمایتی دولتی در زمینه تضمین خرید دولتی به همراه بازار آزاد، کشت برتر منطقه است. زارعان، با توجه به بازار فروش، به تنوع کشت پرداختند تا درجه خطرپذیری کشت را کاهش دهند.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که در ارتباط با تغییرات محسوس دهه‌ی اخیر در مناطق روستایی منطقه مورد مطالعه و به‌ویژه ساخت زراعی آن، مطالعه جامعه و خاصی انجام نشده است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که ساخت زراعی فعلی منطقه مورد مطالعه چه ویژگی‌هایی داشته و چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؛ از طرف دیگر، به دنبال این مسئله است که به چه دلیل ساخت زراعی دچار تحول شده و چه نتایجی در بر داشته

است؟ باتوجه به محدودیت‌های آماری و گستردگی موضوع، محدوده‌ی زمانی این تحولات در دو دهه‌ی گذشته در نظر گرفته شده است.

باتوجه به ماهیت موضوع مورد بررسی و اهداف، پژوهش حاضر از نوع، توصیفی و میدانی است؛ توصیفی بدین دلیل که هدف از انجام پژوهش، توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۸: ۷۲) و میدانی از این نظر که به منظور کشف عقاید، افکار، ادراکات و ترجیحات افراد مورد نظر، از پرسشنامه استفاده می‌شود (سلیمی، ۱۳۷۶: ۲۰). همچنین، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و از لحاظ پارادایم در گروه تحقیقات کیفی قرار دارد و از بعد روش نیز از نظریه بنیانی استفاده کرده است. در پژوهش حاضر، برای ساختن مدل مفهومی پیامدهای تغییرات ساخت زارعی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان ارومیه واقع در غرب دریاچه ارومیه، از روش کیفی نظریه زمینه‌ای بهره گرفته شد. این نظریه ابتدا در سال ۱۹۶۷ از سوی گلاسر و اشتراوس ابداع و در کتاب مشهور آنها به عنوان کشف نظریه زمینه‌ای منتشر شد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۱۳؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۹). نظریه زمینه‌ای سه جزء اصلی دارد: مفاهیم، مقولات و گزاره‌ها (سفیری، ۱۳۸۹: ۲۹۴). برپایه مفاهیم و مبانی نظریه زمینه‌ای، پژوهش براساس فرضیه سازی شروع نمی‌شود، بلکه پژوهشگر با مسئله‌ای تحقیقی روبه‌روست که برای پاسخ‌گویی بدان هیچ جواب و حدس قبلی وجود ندارد (اگین^۱، ۲۰۰۲: ۵۴). بنابراین، روابط بین متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق از قبل تعیین نمی‌شود، بلکه بر مبنای مشاهدات و داده‌های گردآوری شده و باتوجه به تفاوت‌ها و تشابهات آنها تبیین و از این طریق، مقدمات لازم برای نظریه‌سازی فراهم می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۴: ۸۷). در واقع، باید این نظریه به کمک داده‌ها زمینه‌دار شود، نه آنکه بر آنها تحمیل شود. این روش بر پایه این رویکر بنا شده است که نخستین کار کلیدی پژوهشگر کشف راه‌های جدید برای معنی‌دادن به دنیای اجتماعی است (هومن، ۱۳۸۵: ۱۰۶). پندیت^۲ (۱۹۹۶) در ساخت نظریه زمینه‌ای از پنج مرحله کلی (طرح پژوهشی، جمع‌آوری داده‌ها، تنظیم داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی اعتبار مدل) یاد می‌کند که این مراحل و گام‌ها براساس چهار معیار کیفی پژوهشی ارزشیابی می‌شوند که عبارتند از: اعتبار ساختاری، اعتبار درونی، اعتبار بیرونی و روایی (پاپ‌زن و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۹). مراحل ساخت نظریه زمینه‌ای در ادامه تشریح شده است.

مرحله طرح پژوهشی از ساخت نظریه زمینه‌ای، در دو گام انجام می‌شود. نخستین گام، تعریف سؤالات دقیق و منعطف از مسئله است. یکی از منابع مناسب این نوع سؤالات، متون فنی، نظیر گزارش‌ها و بررسی‌های پژوهشی است (کوربین و اشتراوس^۳، ۱۹۹۰). در پژوهش حاضر سؤال‌های اصلی تحقیق عبارتند از: ساخت زراعی منطقه چه ویژگی‌هایی دارد، چه تغییراتی در آن رخ داده و پیامدهای تغییرات آن چیست؟ دومین گام، انتخاب مورد یا همان محدوده تحقیق و جامعه مورد مطالعه است (پاپ‌زن و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). منطقه مورد مطالعه در بخش مرکزی شهرستان ارومیه واقع در غرب دریاچه ارومیه بوده و این بخش شامل ۹ دهستان و ۲۲۰ روستای بالای ۳۰ خانوار می‌باشد. لازم به ذکر است که در مرحله مطالعه‌ی مقدماتی با استفاده از مشاوره‌ی کارشناسان خبره و آشنا با

^۱ Egan

^۲ Pandit

^۳ -Corbin and Strauss

روستاهای غرب دریاچه ارومیه در جهاد کشاورزی شهرستان ارومیه ۱۲۹ روستا که در محدوده‌ی (فاصله) ۵ تا ۱۰ کیلومتری از دریاچه ارومیه قرار داشتند انتخاب گردیدند. سپس روستاهای مذکور براساس کشت غالب به ۵ گروه تقسیم شدند. روستاهای مذکور بر اساس حاکمیت اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، تغییر ساختار زراعی طی سال‌های اخیر، استفاده از تکنولوژی‌های نوین زراعی و غیره انتخاب گردید. در این راستا، در مرحله نهایی مطالعه روستاهای گلمانخانه از گروه اول (غالبیت کشت انگور)؛ ترکمان از گروه دوم (غالبیت کشت سیب)؛ جبل‌کندی از گروه سوم (غالبیت کشت انگور - سیب)؛ ساریجالو از گروه چهارم (غالبیت کشت محصولات زراعی - آبی)، بالستان از گروه پنجم (غالبیت کشت محصولات زراعی - دیم) به عنوان روستاهای مورد هدف مطالعه در بخش مطالعه کیفی هستند. موقعیت روستاهای هدف مطالعه در شکل ۱ نشان داده شده است.

در بخش جمع‌آوری داده‌ها، دو عملیات انجام می‌گردد، تدوین چارچوب گردآوری داده‌ها و ورود به میدان پژوهش (سفیری، ۱۳۸۹: ۲۹۷). در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها و به منظور افزایش اعتبار آن‌ها، از تکنیک مثلث‌سازی^۱ استفاده شد. همچنین، در خلال گردآوری داده‌ها، از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند^۲ برای انتخاب مطلعین^۳ یا دروازه‌بانان^۴ تحقیق، فضاها، زمان‌ها و دیگر ابعاد پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۲). گردآوری و تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای، توأم با استفاده از راهبرد نمونه‌گیری نظری است که تنها به نظریه زمینه‌ای تعلق دارد. و عبارت است از نمونه‌گیری بر مبنای مفاهیم در حال ظهور بر گرفته از داده‌ها و روشی است برای گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها بر حسب مقوله‌های بر گرفته از داده‌ها. فرایند نمونه‌گیری نظری تا زمانی ادامه می‌یابد که هیچ ویژگی جدیدی ظهور نکند؛ این سطح را اشباع نظری^۵ می‌خوانند (همان منبع: ۳۲۵). در پژوهش حاضر، نمونه‌ها به صورت هدفمند و از طریق نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. بنابراین، روستاییانی که در دو دهه گذشته به کشاورزی اشتغال داشته‌اند و به عبارتی دارای تجربه کافی در زمینه مورد بررسی می‌باشند، انتخاب شدند. در این راستا تا رسیدن به اشباع نظری نمونه‌هایی از کشاورزان روستاهای مورد مطالعه، انتخاب شدند. در کل، مطالعه بر روی ۵۵ نفر در منطقه مورد مطالعه، صورت گرفت. لازم به توضیح است، میانگین سنی پاسخگویان حدود ۴۰ تا ۴۵ سال و با سطح تحصیلاتی متغیر مانند ۲۰ نفر بی‌سواد، ۱۲ نفر سیکل، ۱۳ نفر دیپلم و ۱۰ نفر لیسانس بود. همچنین، همان‌طور که گفته شد، در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات و به منظور افزایش اعتبار آنها، از شیوه مثل‌سازی استفاده شده است. این شیوه از نظر بیشتر پژوهشگران، محدود به استفاده از راهکارهایی چندگانه برای جمع‌آوری داده‌ها برای پژوهش در خصوص پدیده‌ای یکسان است. لذا، در این پژوهش، از روش‌های مصاحبه نیمه ساختارمند، مشاهده و بررسی اسناد و مدارک استفاده شده است.

پس از ورود به میدان پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات، باید به تنظیم اطلاعات (داده‌ها) پرداخت. هدف از این مرحله، آشنا ساختن پژوهشگر با داده‌هاست. در این مرحله، پژوهشگر همه داده‌ها را مرور می‌کند، و در این بین به موارد

^۱ - Triangulation

^۲ - Purposive Sampling

^۳ - Informants

^۴ - Gatekeepers

^۵ - Theoretical Saturation

جالب و شاخص، توجه می‌کند و آگاه‌تر می‌شود (محم‌توگلو^۱، ۲۰۰۶: ۲۴). در این مرحله از پژوهش، اطلاعات جمع‌آوری شده که شامل یادداشت‌های متعدد، صدهای ضبط‌شده و ... می‌باشد، بررسی و تنظیم می‌شود. حاصل این مرحله ثبت نکات مهم و اصلی پژوهش (که در راستای مسئله و هدف تحقیق است) می‌باشد. پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات، باید به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شود. این قسمت شامل سه گام ۱- تحلیل داده‌های اولین مورد ۲- تکرار نمونه‌گیری نظری و ۳- رسیدن به کفایت می‌باشد (سفیری، ۱۳۸۹: ۲۹۷). بعد از گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای و متنی، تحلیل و کدبندی در امتداد با نمونه‌گیری نظری آغاز می‌شود. فرایند انجام کدبندی در نظریه زمینه‌ای مبتنی بر روش‌های مقایسه ثابت^۲ است و محقق به دنبال کدبندی یا مفهوبندی داده‌های گردآوری شده است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۶). فرایند کدبندی داده‌ها در نظریه مذکور در ۳ مرحله کدگذاری باز^۳، محوری^۴ و انتخابی^۵ صورت می‌گیرد (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷: ۲۰۰؛ مرادی و آگهی، ۱۳۹۳: ۱۶۹؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۰؛ دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸۹). در هر کدام از این مراحل، کد یا کدهای الصاق شده باید داده‌های مرتبط با خود را به سطح اشباع برساند.

جهت اطمینان از اعتبار یافته‌های به دست آمده، یافته‌های نهایی را به پاسخگویان مورد مطالعه نشان داده و واکنش آن‌ها را در زمینه تطابق مقوله‌های مفهومی با آنچه که آن‌ها بیان نموده‌اند را مشاهده نمودیم. مقوله‌های به دست آمده برای پاسخگویان شناخته شده و قابل فهم و شناسایی بود. بنابراین، محققان از اعتبار نظریه تولیدی خود مطمئن شدند. لازم به توضیح است در این مطالعه برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده، علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه و روش کیفی، از پرسشنامه روستا نیز به بررسی وضعیت کلی کشاورزی در روستاهای مورد مطالعه پرداخته شده است.

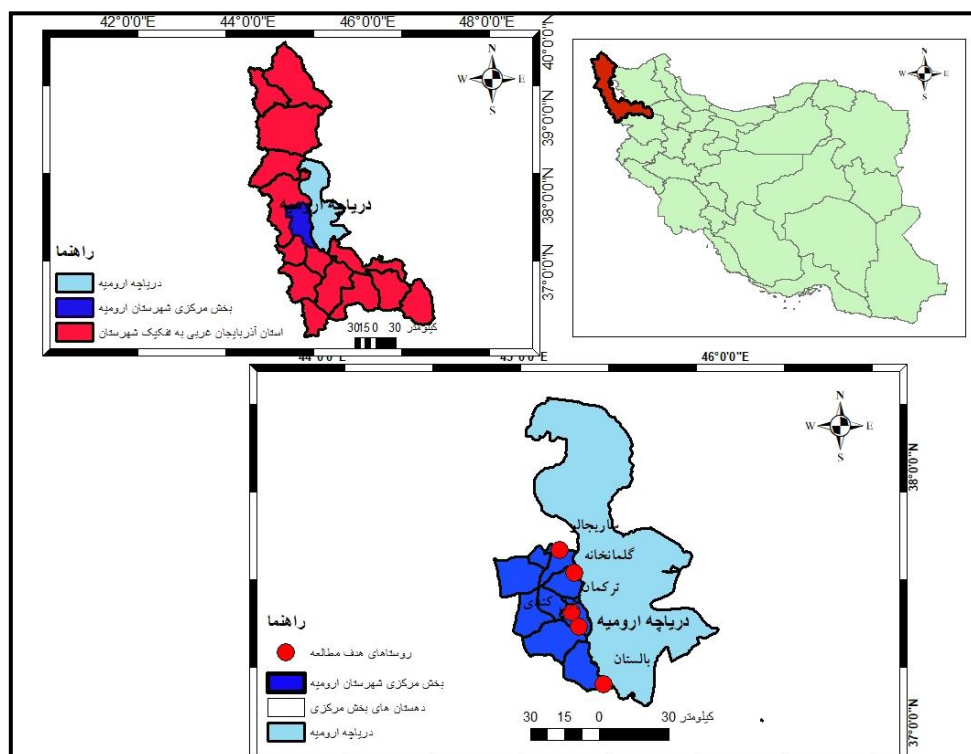
^۱ -Mehmetoglu

^۲ - مقایسه رویداد در برابر رویداد برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها

^۳ -Open Coding

^۴ -Axial Coding

^۵ -Selective Coding



شکل (۱) موقعیت روستاهای هدف مطالعه نسبت به دهستان و بخش در شهرستان ارومیه

منبع: نویسندهگان، ۱۳۹۶

نتایج و بحث

در این بخش از مطالعه، نتایج بدست آمده در دو بخش کلی ارائه شده است. در بخش اول به بررسی ویژگی‌های ساخت زراعی روستاهای مورد مطالعه پرداخته شده و سپس در بخش دوم تحولات ایجاد شده در ساخت زراعی روستاهای هدف، دلایل و نتایج آن تحولات مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج جدول ۱ که با استفاده از پرسشنامه روستا بدست آمده، گروه‌بندی روستاهای هدف مطالعه را براساس براساس کشت غالب (همان‌طور که در بخش قبل گفته شد) نشان می‌دهد، به‌طور مثال، غالب محصول تولید در روستای گلمانخان انگور (با مساحت ۹۵ هکتار) که اکثریت بهره‌برداران مالکی (۹۰ درصد) و نظام زراعی در آن روستا به صورت سنتی (۸۵ درصد) مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج سایر روستاهای مورد مطالعه در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. وضعیت کلی روستاهای مورد مطالعه

روستای مورد مطالعه	نوع نظام بهره‌برداری (درصد)		نظام زراعی (درصد)		مساحت زمین (هکتار)	نسبت زمین زراعی به کل زمین (درصد)	نسبت زمین باغی به کل زمین (درصد)	نسبت زمین کاشت آراضی باغی (انگور)	نسبت زمین کاشت آراضی باغی (سیب)	تعداد بهره‌برداران بخش زراعی	تعداد بهره‌برداران بخش باغی
	مالکی	سهم‌بری	سنتی*	مکانیزه							
گلمانخان	۹۰	۵	۸۵	۱۵	۱۵	۱۵	۹۵	۲۵	۳۰	۱۲۰	
ترکمان	۹۰	۵	۸۵	۱۵	۲۵	۵۰	۲۵	۷۰	۲۵	۱۱۰	
جبل کندی	۹۰	۵	۸۵	۱۵	۷۰	۱۹	۴۰	۹۸	۱۵	۶۰	
پالستان	۹۵	۵	۸۵	۱۵	۳۵	۵	۲	۳	۱۰۰	۳۰	
ساریچالو	۸۰	۵	۹۰	۱۰	۵۰	۳۵۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۰۰	۵۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

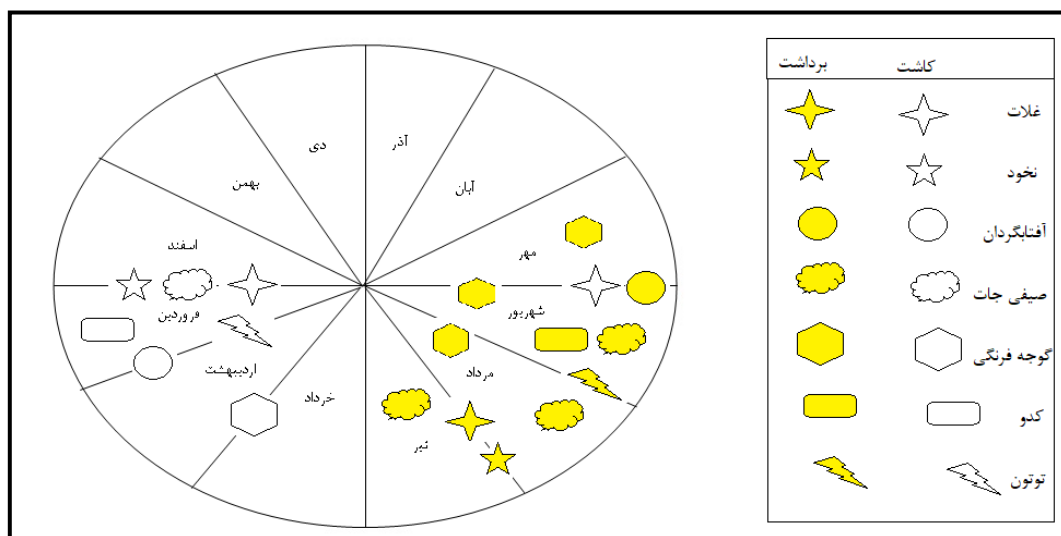
* منظور از نظام زراعی سنتی؛ شامل تمامی مراحل کاشت (مانند بذرپاشی با دست)، داشت (کودپاشی و جین با دست، آبیاری غرقابی) و برداشت (درو یا برداشت محصول با دست).

در منطقه مورد مطالعه مخصوصاً روستاهای بالستان و ساریچالو گندم به دو صورت آبی و دیم کاشت می‌شود. لازم به ذکر است، گندم دیمی در اوایل فصل بهار کاشته شده که به صورت محله به آن گندم بهار گفته می‌شود. این روش کاشت، علاوه بر رقم متفاوت و زودرس بودن آن و عدم نیاز آن به زمستان‌گذرانی و پنجه‌زنی آن در فصل سرد سال، به علت فراوانی بارش در فصل بهار در مناطق دیم‌کاری که دارای میزان بارش مناسب در فصل مورد نظر هستند رواج دارد. اما در حال حاضر، بنا به گفته افراد مصاحبه شده سطح زیرکشت این روش کاشت گندم بسیار کم شده (مانند روستای گل‌مانخان که چند سال است کسی از این روش استفاده نمی‌کند) است. همچنین، به علت کاهش بارش و خشکسالی‌های موجود، در روستای بالستان بسیاری از خانوارهای آن روستا که در گذشته به تولید محصول علوفه (مانند یونجه) برای مصرف دام‌های خود می‌پرداختند، در حال حاضر این امکان وجود ندارد و در بعضی از مواقع ناچار به خرید علوفه هستند. لازم به توضیح است که گندم آبی در روستاهای مورد مطالعه از اواسط شهریور تا اواسط مهر کاشت شده و اواخر تیر ماه نیز برداشت می‌گردد. همچنین، گندم دیم نیز از اواسط اسفند تا اواسط فروردین کاشت شده و همانند گندم آبی در اواخر تیر ماه نیز برداشت می‌گردد. افراد مورد مطالعه عنوان کرده‌اند، به دلیل کاهش بارش در مناطق مورد مطالعه و کاهش عملکرد در واحد سطح به‌ویژه در مناطق دیم‌کار و از طرفی دیگر به دلیل افزایش هزینه نهاده‌های تولید، در بهترین شرایط نسبت هزینه به درآمد ۵۰ به ۵۰ است و حتی پیش‌بینی کرده‌اند با توجه به شرایط زراعی امسال (نباریدن برف و حتی باران در بعضی از مناطق در نیمه اول سال زراعی) نسبت درآمد به هزینه بسیار کمتر خواهد شد و به عبارتی دیگر تولید (گندم و جو) برای آنها به صرفه نخواهد بود.

حیوانات از جمله نخود در روستاهای مورد مطالعه در اواسط اسفند تا فروردین کشت می‌شود که افراد مورد مطالعه به صورت کلی کشت این محصول در این محدوده را به دو عامل میزان بارش و دمای هوا ربط داده‌اند. به عبارتی باید این دو عامل اقلیمی فرصت شخم و بذرپاشی را به کشاورزان بدهد. در روستاهای مورد مطالعه برداشت محصول نخود نیز در اوایل تابستان (اواسط تیر ماه) صورت می‌گیرد. بنابر توضیحات ارائه شده از سوی افراد مورد مطالعه می‌توان گفت، در مناطقی که شرایط لازم برای کشت نخود فراهم است، در صورت بارش مناسب در فصل بهار به ویژه در ابتدای فصل رویش این محصول، درآمد حاصل از تولید نخود بیشتر از گندم خواهد بود.

توتون از جمله محصولات تولیدی در روستاهای مورد مطالعه از جمله روستای ترکمن (اگرچه اکثریت افراد باغبان با غالبیت سیب هستند) به صورت تخصصی کاشت می‌شود. مطابق با اطلاعات بدست آمده از افراد مورد مطالعه، هزینه تمامی مراحل کاشت، داشت و برداشت در ابتدا توسط دولت پرداخت می‌شود. پس از برداشت و تعیین میزان کیفیت و قیمت نهایی آن توسط کارشناس تعیین و دولت نیز محصول توتون را به صورت تضمینی خریداری می‌نماید. دولت هزینه‌های پرداختی در مراحل سه‌گانه برای تولید محصول را کسر کرده و سود حاصله از تولید محصول توتون را به کشاورز پرداخت می‌نماید. لازم به توضیح است براساس توضیحات ارائه شده است از سوی روستاییان مورد مطالعه، حداقل استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی در این مناطق هنگام شخم با استفاده از گاوآهن برگردان‌دار و یا گاوآهن پنجه‌کلاغی بوده و همچنین استفاده از کمباین در زمان برداشت می‌باشد. استفاده از سایر موارد چه در زمان بذرپاشی، کودپاشی و یا سم‌پاشی و یا سایر موارد منوط به مساحت اراضی می‌باشد. همچنین،

تقویم زراعی محصولات مهم کشت شده در روستاهای مورد مطالعه به صورت کلی با کمک افراد مورد مطالعه به شرح شکل ۲ می‌باشد.



شکل (۲) تقویم زراعی روستاهای مورد مطالعه در محدوده غرب دریاچه ارومیه (بخش مرکزی شهرستان ارومیه)

منبع: نویسندهگان، ۱۳۹۶

اکثریت کشاورزان مورد مطالعه اذعان دارند که زراعت خود را با هدف تجاری انجام می‌دهند که این امر در تولید محصولاتی همچون گندم، جو، توتون، آفتابگردان، کدو، نخود و گوجه پرنگ‌تر هست. همچنین، تولید محصول سیب، انگور، زردآلو، آلبالو و شلیل در محصولات باغی جنبه تجاری داشته و در صورت نبود مشکل غیرمترقبه‌ای (اکثر افراد مصاحبه شده عنوان کردند که امسال (تابستان ۱۳۹۶) به دلیل بسته شدن مرز قیمت سیب بسیار پایین بود و در واقع بازار کشتش مناسبی نداشت و سیب خود را به بازار عرضه نکرده و در حال حاضر سیب در سردخانه‌ها انبار شده است) به بازار عرضه شده و تولید سایر محصولات کشاورزی جنبه خود مصرفی را دارد. به گفته‌ی افراد مورد مطالعه، بخش‌های خودمصرفی و میزان آن در محصولات مختلف تولیدی متفاوت بوده و به عبارتی بعضی از محصولات به منظور مصرف خود خانوار کاشت شده و بعضی از محصولات دیگر بستگی به شرایط مختلفی از جمله وضعیت تقاضای بازار و قیمت آن و بعضی از محصولات نیز کامل با هدف تجاری تولید می‌شوند. در اکثریت روستاهای مورد مطالعه، تولید علوفه به علت کمبود آب و کاهش بارش در چندسال گذشته فقط در سطح مصرف دام‌های خانوار است، همچنین، در مورد محصولاتی از جمله گندم، جو و نخود مصرف خانوار در سطح بذر محصول برای کاشت سال آینده است (خودمصرفی نخود کمی بیشتر از میزان لازم بذر برای سال آینده است). باتوجه به اینکه استفاده از علوفه اغلب در محصولات گندم و جو وجود دارد که از آن برای تغذیه دام‌ها استفاده می‌شود، ولی در سایر محصولات چندان اهمیت ندارد. لذا، ۱۰۰ درصد افراد مورد مطالعه که دارای دام هستند، بعد از برداشت محصول، از کلش باقیمانده در مزارع به‌منظور چرای دام استفاده می‌کنند. صیفی جات تولید شده در روستاهای مورد مطالعه، به گفته کشاورزان مورد مطالعه دارای مصرفی دو طرفه هستند. میزان خود مصرفی یا تجاری بودن آن بستگی به وضعیت تقاضای بازار و قیمت روز آن دارد. آن‌ها عنوان کرده‌اند که علاوه بر مصرف روزانه خانوار در طول فصل برداشت، فرآورده‌هایی دیگری از جمله رب خانگی، خیارشور، انواع ترشی و ... از آن تولید

می‌کنند. لازم به ذکر است، محصولاتی از جمله توتون، آفتاب‌گردان و کدو (نوع تخمی آن) غالبیت هدف کاشت آن تجاری بوده و درصد بسیار بسیار جزئی در خانوار مصرف می‌شود.

مساحت اراضی در بین روستاهای مورد مطالعه متفاوت است و باتوجه به اجرای طرح اصلاحات اراضی در مناطق روستایی مورد نظر، لذا، متوسط مساحت اراضی تحت تملک خانوارها خیلی زیاد نبوده و معمولاً در چند قطعه پراکنده می‌باشد. به طور مثال در روستای بالستان خانواری که دارای ۱۰ طناب محلی (هر طناب محلی برابر با ۴۴۴ مترمربع) و بیشتر اراضی کشاورزی آبی داشته باشد در گروه خانوارهای دارای سطح وسیع اراضی قرار می‌گیرد و خانوارهای دارای سطح اراضی ۳ طناب محلی و کمتر در گروه خانوارهای عادی از نظر میزان سطح اراضی تحت تملک قرار می‌گیرند. همچنین، در منطقه مورد مطالعه، نظام بهره‌برداری غالب به صورت خانوادگی است. به عبارتی بهره‌برداری از مزارع توسط خانوار و با استفاده از نیروی کار اعضای خانوار انجام می‌شود و در مواردی، بهره‌برداری از زمین به صورت اجاره‌ای به خانوارهای دیگر واگذار می‌شود که این موارد بیشتر در بهره‌برداری‌های بخش باغی دیده می‌شود. گندم، جو و آفتابگردان محصولاتی هستند که نیروهای دخیل در فرآیند بهره‌برداری از آنها تنها شامل نیروی کاری است که روی ماشین‌آلات در مراحل قبل از کاشت، کاشت و برداشت و گاه در مرحله داشت فعالیت می‌کنند. بنابراین، هزینه نیز در این گونه کشت‌ها کمتر است. اما در محصولات دیگر مانند نخود، گوجه، توتون، کدو و انواع صیفی علاوه بر نیازمندی به نیروی کار بر روی ماشین‌آلات برای مراحل مختلف، به نیروی کار بیشتری برای مراحل داشت و برداشت نیازمند هستند و به همین جهت دارای هزینه نیروی کار بیشتری هستند و از طرفی دیگر، دارای درآمد بیشتری نیز می‌باشند.

در روستاهای مورد مطالعه از منابع آبی و شیوه‌های مختلفی برای آبیاری محصولات کشاورزی خود بهره می‌جویند. در روستای بالستان در دهه‌های گذشته منبع تأمین آب کشاورزی و آب شرب ساکنان روستا توسط قنات بوده که متأسفانه در حال حاضر خشک شده و برای آب شرب روستا، از آب روستای دول ایزج با استفاده از خط انتقال استفاده می‌شود. عمده فعالیت بخش کشاورزی در روستای بالستان به صورت دیمی انجام می‌شود که در این چند سال گذشته باتوجه به کاهش بارش با مشکلات زیادی روبرو بوده و همچنین، آب اراضی محدودی که به صورت آبی به تولید می‌پردازند از چاه‌های نیمه عمیق که اغلب حفر آنها غیرمجاز بوده و یا با خرید آب از چاه‌های مربوط به روستاهای مجاور تأمین می‌شود. کشاورزان روستای ساریچالو در دهه‌های گذشته آب مورد نیاز بخش کشاورزی خود را از نهرهایی که از رودخانه زولاچای سرچشمه می‌گرفتند، استفاده می‌شد. اما، افراد مورد مطالعه در این روستا عنوان کرده که در حال حاضر برای «به اصطلاح احیاء دریا» آب آن نهرها و رودخانه زولاچای به سمت دریاچه ارومیه هدایت شده که کشاورزان مورد مطالعه عنوان کرده که پس از خشک شدن نهرهای مورد نظر حفر چاه‌های غیر مجاز در منطقه بسیار زیاد شده است. براساس اطلاعات بدست آمده از طریق مصاحبه و بازدید میدانی در روستای گلمانخانه مشخص شد، در این روستا منبع تأمین آب دو قنات بوده است که در حال حاضر به علت خشکسالی‌های پی‌درپی و عدم لای‌روبی و سایر عوامل، آب یکی از قنات‌های موجود کامل خشک شده و میزان

^۱عین جمله فرد مورد مطالعه است. لازم به ذکر است که افراد مورد مطالعه به صورت محله اصطلاح دریا را برای دریاچه ارومیه استفاده می‌نمایند.

آب‌دهی قنات دوم نیز بسیار کم (یک پنجم حال عادی) شده، به طوری که روستاییان مورد نظر در تابستان گذشته روزانه نیم ساعت آب داشته‌اند. همچنین، کشاورزان روستای گل‌مانخانه که اغلب باغدار (انگورکار) هستند و دارای حقبه (سالی ۷ دفعه) از رودخانه شهرچای بوده‌اند که در حال حاضر این حقبه به صورت مرتب رعایت نمی‌شود (به بهانه احیاء دریا^۱) و کشاورزان واقعاً با مشکلات زیادی روبرو بوده و به صورت کلی می‌توان گفت در روستای گل‌مانخانه عملاً آبی وجود ندارد. در روستای ترکمان، کشت غالب سیب درختی است و حتی کشاورزان روستای مورد مطالعه اذعان دارند که یکی از با کیفیت‌ترین سیب‌های استان را تولید می‌کنند. در این روستا یک حلقه چاه عمیق برای تأمین آب شرب روستا وجود دارد و برای مصارف بخش کشاورزی از چاه‌های نیمه عمیق استفاده می‌شده است. البته لازم به ذکر است که در دهه‌های گذشته (دهه‌ی ۷۰ و قبل از آن) به علت میزان بارش‌های مناسب در طول سال و بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی در منطقه، تعداد محدودی چاه نیمه عمیق (دارای مجوز) در منطقه وجود داشت. ولی در حال حاضر با توجه به خشکسالی‌ها، کاهش بارش و استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، سطح آب‌های زیرزمینی کاهش یافته (به گفته افراد مورد مطالعه در دهه گذشته بیشتر از ۱۰ متر کاهش یافته است) و کشاورزان به سمت حفر چاه‌های غیرمجاز نیمه عمیق رفته‌اند. در روستای جبل‌کندی، نیز یک حلقه چاه عمیق برای مصارف شرب روستاییان وجود دارد و همانند روستای ترکمان در دهه‌های گذشته برای بخش کشاورزی از آب چاه‌های نیمه عمیق محدودی استفاده می‌شد ولی در حال حاضر در این روستا نیز همانند سایر روستاهای مورد مطالعه حفر غیر مجاز چاه‌های نیمه عمیق بسیار زیاد شده است. به صورت کلی افراد مورد مطالعه در همه‌ی روستاهای مورد مطالعه عنوان کرده‌اند با توجه به کاهش بارش و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و حتی محدودیت آب برای تولید در بخش کشاورزی در بعضی از مناطق روستایی منطقه مورد مطالعه، اما کشاورزان همچنان به صورت سنتی و غرقابی آبیاری انجام داده و متأسفانه تلاش زیادی برای عوض کردن این روش غلط در منطقه انجام نشده است.

بر اساس روش نظریه مینا، مشاهدات و مصاحبه‌ها نشان داد که چند دلیل عمده باعث تحولاتی در ساخت زراعی در منطقه مورد مطالعه شده برای دستیابی بدین عوامل از میان مصاحبه‌های انجام تعدادی مفهوم شناسایی و سپس دسته‌بندی شده و براساس آن‌ها به بررسی هدف اصلی مطالعه پرداخته شده که در ادامه مطابق با تجزیه و تحلیل مربوط به نظریه زمینه‌ای (کدبندی) نشان داده شده‌اند.

کدبندی باز

مرحله کدبندی باز دارای دو زیر مرحله است: (۱) زیر مرحله کدبندی اولیه یا سطح اول^۲، (۲) کدبندی متمرکز^۳ یا سطح دوم (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۳۰). در کدبندی سطح اول، محقق بر اساس واحد کدبندی - سطر به سطر، عبارت به عبارت، پارگراف به پارگراف و ... - به هر واحد مورد نظر یک کد یا مفهوم الصاق می‌کند. این مفهوم باید بتواند فضای مفهومی آن را تا حد امکان اشباع کند. کدبندی سطح دوم عبارت است از استفاده از معنادارترین و یا

^۱عین جمله فرد مورد مطالعه است.

^۲ - Level 1 Coding

^۳ - Focused Coding

فراوان‌ترین کدهای اولیه برای غربال کردن و تقلیل میزان زیادی از داده‌ها. در این مرحله، محقق با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک را در قالب یک مقوله واحد قرار می‌دهد (همان منبع: ۳۳۳).

جدول (۱) - مفاهیم، مقوله‌های استخراج شده

مفاهیم	مقوله‌های عمده	مقوله هسته‌ای
تغییر در نوع کشت، کاشت محصولات تجاری، افزایش زمین‌های زیرکشت، استفاده بیشتر از آب‌های زیرزمینی، میل به سمت پرورش (معیشتی) دام، افزایش تعداد قطعات اراضی کشاورزی (برای فروش) و کوچک‌تر شدن هر قطعه، استفاده از روش‌های نوین آبیاری، کاهش سطح زیر کشت هر خانوار برای هر محصول،	تغییر الگوی کشت	مقوله هسته‌ای
کمبود بارش‌های جوی و کمبود شدید آب زراعی، خشک شدن رودخانه‌های فصلی و دائمی، کاهش آب چاه‌ها و خشک شدن بعضی از آنها، آلودگی آب‌های روزمینی و شوری و آلودگی آب‌های زیرزمینی، آلودگی هوا، گرم شدن هوا، کاهش رطوبت هوا،	عوامل محیطی (بروز خشکسالی)	مقوله هسته‌ای
تغییر نظام بهره‌برداری، کاهش سطح تولید، کاهش سطح زیر کشت، افزایش ویلاسازی و احداث راه‌های بیشتر درون مزرعه‌ای، کاهش کیفیت محصولات (به علت کاهش کیفیت آب‌های زیرزمینی و میل به شوری) و کاهش درآمد کشاورزان، افزایش مشاغل خدماتی در روستا، بازار نامناسب برای فروش محصولات کشاورزی از جمله محصولات باغی، بالا رفتن هزینه مربوط به نیروی کار و ماشین‌آلات کشاورزی، کاهش سرمایه‌گذاری در تولید، فروش اراضی زراعی	عامل اقتصادی	تحول در ساخت زراعی (از روستاهای کشاورزی به روستاهای باغ ویلایی)
افزایش حفر چاه‌های غیر مجاز در دهه گذشته، افزایش کیفیت راه‌های روستایی، بی‌ثباتی در اجرای قوانین مربوط به بخش آب کشاورزی، عدم نظارت دقیق بر میزان برداشت آب‌های زیرزمینی، ناهماهنگی سازمان‌های دولتی در اجرای قوانین (امور اراضی، امور آب و ...)، ناهماهنگی سیاست‌های مربوط به امور روستاها، عدم قانون دقیق در مورد تفکیک اراضی کشاورزی، تغییر کاربری اراضی زراعی و تبدیل آن‌ها به کاربری‌های تجاری و مسکونی، عدم اشتغال جوانان روستا در بخش کشاورزی،	ساخت نهادهای سیاسی (سیاست دولت)	ساخت نهادهای سیاسی (سیاست دولت)
استفاده بیشتر از تکنولوژی‌های نوین در بخش کشاورزی، مهاجرت، افزایش جمعیت، استفاده از روش‌های سنتی و غلط در بخش آب زراعی، استفاده از مصالح جدید (مانند ایزوگام کردن سقف، سنگ‌های تزئینی نما، استفاده از شنارز و مصالح مقاوم دیگر) در ساخت خانه‌های روستایی، ورود غریبه‌ها به منطقه (به علت ویلاسازی و هجوم شهرنشینان به آن مناطق)،	عوامل اجتماعی	عوامل اجتماعی
تغییر معیشت، مشاغل جدید، تغییر در کیفیت محصولات، قطعه قطعه شدن باغ‌ها، احداث جاده‌های درون‌مزرعه‌ای، ایجاد فضاهای جدید در درون روستا، ایجاد فضاهای جدید در درون مزارع، حصارکشی	تحول در ساخت زراعی روستا	تحول در ساخت زراعی روستا

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

کد بندی محوری

مرحله دوم کد بندی داده‌ها به کد بندی محوری موسوم است. در این مرحله مقوله‌ها به صورت یک شبکه باهم در ارتباط قرار دارند. یافتن کدهای مشترک و مقوله‌بندی محوری نیز، مستلزم استفاده از روش مقایسه ثابت است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۳۵). در این قسمت یک خط داستان^۱ از ارتباط منطقی بین مقوله‌ها به نگارش درمی‌آید (همان منبع: ۳۳۹).

در پژوهش حاضر، مقوله‌های عمده به دست آمده عبارت‌اند از: عوامل محیطی، عوامل اجتماعی، ساخت نهادهای سیاسی (سیاست‌های دولت)، عوامل اقتصادی و تغییر الگوی کشت و تحول در ساخت زراعی (از روستاهای کشاورزی به روستاهای باغ ویلایی). در این بخش از مقاله ابتدا با مرور خط داستان، به چگونگی ارتباط بین مفاهیم، مقولات عمده و نیز مقوله هسته‌ای که در مرحله بعد تولید می‌شود، پرداخته می‌شود. در پایان مدل سه بعدی پارادایمی آن، بر اساس شرایط، تعاملات و پیامدها ترسیم می‌شود.

عوامل محیطی

در دو دهه گذشته کل کشور ایران شاهد کم شدن نزولات آسمانی بوده که استان آذربایجان غربی و منطقه مورد مطالعه از این امر مستثنی نبوده است و حتی این امر را می‌توان در سیمای دریاچه‌ی ارومیه نیز مشاهده کرد که متأسفانه در حال حاضر رو به مرگ همیشگی است که یک از عوامل تأثیرگذار بر آن کم شدن نزولات جو است. به

^۱ - Story Line

دلیل کم شدن میزان نزولات آسمانی، بسیاری از رودخانه‌های فصلی و حتی دائمی در منطقه خشک شده و یا اینکه به دلیل اجرای بعضی از سیاست‌ها از جمله احیا دریاچه ارومیه حقایق کشاورزان در بعضی از مناطق مورد مطالعه خیلی توجه نشده و به راحتی اجازه‌ی برداشت را به آنها نمی‌دهند. همچنین، خشکسالی‌های موجود باعث پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی در منطقه شده و حتی در بعضی از مناطق آب چاه‌ها یا خشک شده و یا اینکه به آب شور رسیده است. به طور مثال در روستای گل‌مانخانه به علت کاهش کیفیت آب زراعی (میل به شوری)، کیفیت انگور تولیدی بسیار کاهش پیدا کرده و در فروش آن محصول کشاورزان دچار مشکل شده و حتی تعدادی از کشاورزان مورد نظر عنوان کرده‌اند باغ‌های خود را فروخته و یا در حال فروش هستند زیرا دیگر توجیه اقتصادی ندارند. از طرفی دیگر، با رونق گرفتن ویلا و خانه‌باغ که در ادامه تشریح خواهد شد، و عدم نظارت دقیق بر سیستم دفع فاضلاب همه باغ‌ویلاها (زیرا اکثریت آنها غیر مجاز هستند)؛ وضعیت بهداشت آب‌های زیرزمینی در معرض خطر بوده و حتی احتمال آلوده شدن آب شرب روستاهای منطقه بسیار زیاد می‌باشد.

عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی یکی از مقوله‌های انتزاعی به دست آمده در پژوهش حاضر بوده که نشان‌دهنده شرایط سبب‌ساز بروز تحولات ساخت زراعی در روستاهای مورد مطالعه غرب دریاچه ارومیه است. در دهه گذشته با افزایش تدریجی جمعیت و افزایش تقاضا برای مواد غذا، فشار بر اراضی کشاورزی بیشتر و بیشتر شده و این فشار به صورت مستقیم نیز بر آب‌های زیرزمینی که به صورت مجاز و غیرمجاز برداشت می‌شود، وارد می‌شود. از طرفی دیگر با وجود مشکل بارش کم در منطقه و وقوع خشک‌سالی‌های پی‌درپی، کشاورزان به ناچار رو به استفاده هرچه بیشتر از آب‌های زیرزمینی آورده‌اند که در این بین استفاده سنتی و نادرست (غرقابی) از آب در کشاورزی کاملاً مشهود است. همچنین، باتوجه به استقبال هرچه بیشتر شهرنشینان برای هجوم به مناطق آرام و خوش‌آب و هوای مناطق روستایی و ساخت باغ ویلاهای متعدد و در نتیجه استفاده هرچه بیشتر از آب‌های زیرزمینی (به علت حفر چاه‌های غیر مجاز و عدم کنترل دقیق بر برداشت آب در آن باغ‌ویلاها)، وضعیت آب‌های زیرزمینی روستاهای مورد مطالعه در شرایط بحران قرار گرفته و بعضی از کشاورزان به ناچار دست به مهاجرت زده‌اند. البته مهاجرت بنابر گفته افراد مصاحبه شوند، در روستاهای مورد مطالعه از دو عامل نشأت گرفته است، اولین عامل قیمت خیلی مناسب اراضی کشاورزی (به ویژه باغ) و وسوسه شدن کشاورز برایش فروش اراضی خود مهاجر به شهر برای زندگی بهتر و عامل دوم خشکسالی و کم آبی و به صرفه نبود ماندن در روستا. البته لازم به توضیح است، در روستاهای مورد مطالعه تغییراتی مثبتی در مجموع مسکن روستا در تیپ و مصالح آن رخ داده که در بازدیدهای میدانی کامل مشهود بوده و قابل مشاهده است. این تغییرات مانند استفاده اکثریت روستاییان از ایزگام برای عایق کردن سقف مسکن خودشان، استفاده از شنارز برای مقاوم سازی و استفاده از سنگ‌های تزئینی برای زیباسازی مسکن خودشان کامل به چشم می‌آید.

ساخت نهادهای سیاسی (سیاست‌های دولت)

یکی از مقوله‌های عمده به دست آمده در پژوهش حاضر، مقوله ساخت نهادهای سیاسی (سیاست‌های دولت) است.

این مقوله نمایانگر عدم نظارت کافی مسئولین و سازمان‌های زیربسط در بخش کشاورزی و آب زراعی و همچنین عدم وجود و یا اجرای به موقع و مناسب قوانین مربوطه در زمینه روستا، اراضی، آب زراعی و ... است. در دهه‌های گذشته، به‌ویژه از سال ۱۳۸۵ به بعد، ویلاسازی و فروش اراضی کشاورزی در محدوده غرب دریاچه ارومیه و به‌ویژه در روستاهای مورد مطالعه شدت بیشتری به خود گرفته است. همان‌طور که گفته شد دلایلی از جمله عدم اشتغال جوانان روستا در بخش کشاورزی به دلایلی از جمله خشکسالی و کم شدن آب زراعی مورد نیاز و عدم بهره‌وری و به تبع آن درآمد کافی در بخش کشاورزی (و باغداری) و از طرفی دیگر ارائه قیمت مناسب و وسوسه کننده از طرف دلالان و خریداران به روستاییان برای واگذاری بخشی از اراضی کشاورزی به‌ویژه باغ‌های آنها برای ساخت ویلا و به عبارتی خانه‌باغ بسیاری از اراضی کشاورزی منطقه قطعه‌بندی و به فروش رفت و به عبارتی دیگر، در منطقه مورد مطالعه بسیاری از اراضی و باغ‌های پرثمر با تغییر کاربری اراضی زراعی به کاربری‌های تجاری و مسکونی (ویلا) تبدیل شده‌اند. قطعه قطعه شدن اراضی کشاورزی علاوه بر اینکه در کوتاه مدت و بلندمدت بر کشاورزی منطقه (بهره‌وری، میزان تولید و سایر فعالیت‌های وابسته به این بخش) تأثیرگذار بوده، بر آب‌های زیرزمینی منطقه، با توجه به اینکه همه‌ی ویلاهای ساخته شده اقدام به حفر چاه‌های غیرمجاز کرده‌اند، تأثیر مستقیم و منفی گذاشته است. در این زمینه، متأسفانه هیچ عکس‌العمل به موقع و مناسب از طرف نهادهای مسئول و زیربسط برای جلوگیری از قطعه قطعه شدن اراضی کشاورزی مناطق مورد مطالعه صورت نگرفت که در این زمینه، مطابق با گفته افراد مورد مطالعه مواردی مانند بی‌ثباتی در اجرای قوانین مربوط به بخش آب کشاورزی، عدم نظارت دقیق بر میزان برداشت آب‌های زیرزمینی، ناهماهنگی سازمان‌های دولتی در اجرای قوانین (امور اراضی، امور آب و ...)، ناهماهنگی سیاست‌های مربوط به امور روستاها، عدم قانون دقیق در مورد تفکیک اراضی کشاورزی کاملاً به چشم می‌خورد و عملاً «قوانین فقط در حد روی کاغذ ماندند»^۱.

عوامل اقتصادی

یکی از مقوله‌های عمده تولید شده، مقوله عوامل اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. در طی سالیان گذشته، تنها منبع درآمد بسیاری از ساکنان روستاهای مورد مطالعه، کشاورزی (زراعت و باغداری) و تولیدات ناشی از آن بوده است. سطح تولیدات کشاورزی به حدی بوده که هیچ‌گونه نیازی از سوی کشاورزان، برای قرارگیری در سایر مشاغل درآمدزا، احساس نشده است. بروز خشکسالی در طی سال‌های گذشته، به عنوان شرایطی است که سبب تغییر در وضعیت کاهش سطح زیر کشت، کاهش سطح تولید، کاهش کیفیت محصولات (به علت کاهش کیفیت آب‌های زیرزمینی و میل به شوری) و کاهش درآمد کشاورزان شده است. همچنین، عوامل دیگری در این بین قابل چشم‌پوشی نبوده از جمله بازار نامناسب برای فروش محصولات کشاورزی از جمله محصولات باغی در دهه گذشته و به صورت کلی در چند دهه گذشته همیشه بازار فروش محصولات باغی دارای نوسانات خیلی زیاد و غیرقابل پیش‌بینی بوده که کشاورزان را کم کم دلسرد کرده است. از طرفی دیگر، بالارفتن هزینه مربوط به نیروی کار و ماشین‌آلات کشاورزی و کاهش سرمایه‌گذاری در تولید بخش زراعت و باغبانی در چندسال اخیر توسط دولت،

^۱عین جمله‌ی یکی از افراد مصاحبه شده

بخش خصوصی و خود کشاورزان کل بخش کشاورزی در منطقه مورد مطالعه را درگیر مشکلات زیادی کرده است. در این راستا، کشاورزان روستاهای مذکور، جهت بقا خود و خانواده‌هایشان راه‌هایی را که نوعی پاسخ و تعامل به وضعیت کنونی است، انتخاب نموده‌اند. پیامد تعامل مذکور شامل فروش اراضی زراعی و رجوع به مشاغل خدماتی است. فروش اراضی زراعی (برای تبدیل به باغ‌ویلا) باعث افزایش ویلاسازی در منطقه شده که این افزایش علاوه بر اینکه دارای نکات منفی از جمله برداشت بی‌رویه و بدن نظارت از آب‌های زیرزمینی، آلودگی آب‌های زیرزمینی، تغییر در نظام سنتی بهره‌برداری زراعی و ... بوده، دارای نکاتی دیگری از جمله افزایش مشاغل خدماتی در روستا و احداث راه‌های بیشتر درون مزرعه‌ای بوده که این آثار به ظاهر برای روستاییان مورد مطالعه قابل قبول بوده است.

تغییر الگوی کشت

در نتیجه بروز مشکلات متعدد در شرایط محیطی و اقتصادی ساکنان منطقه مورد مطالعه، وضعیت معیشتی کشاورزان و روستاییان تغییر نموده و اتکا زندگی آنان دیگر بر تولید محصولات کشاورزی که قبلاً تولید کرده‌اند نمی‌تواند باشد. همان‌طور که گفته شد، در حال حاضر با توجه به مشکلات مربوط به تغییر اقلیم و خشکسالی‌های به‌وجود آمده، کاهش بارش، کاهش آب‌های زیرزمینی، خشک شدن دریاچه ارومیه همچنین رشد جمعیت در مناطق روستایی، به ناچار خانوارهای روستایی برای تأمین درآمد خانوار و معیشت خود راه‌حل‌های مختلفی را انتخاب کرده و انجام داده‌اند. بعضی از خانوارها اراضی بیشتری را به نسبت گذشته تحت کشته قرار می‌دهند که این دسته با مقدار اضافی را اجاره (یا سهم‌بری) و یا از طریق آبی کردن اراضی دیم خود هدف خود را دنبال می‌کنند. گروهی دیگر از خانوارهای مورد مطالعه با تغییر در الگوی کشت خود به سمت کاشت محصولات تجاری و با تقاضای بیشتر در بازار (مانند کاشت ارقام زودرس محصولاتی مانند انگور، هلو، سیب و...) به سمت افزایش سطح درآمد خانوار رفته‌اند. در این گروه از کشاورزان مورد مطالعه معمولاً بخشی از اراضی کشاورزی خود را برای ساخت ویلا به فروش رسانده‌اند که به صورت کلی علاوه بر اینکه سطح کلی اراضی خانوار کاهش یافته، تعداد قطعات اراضی کشاورزی در روستاهای مورد مطالعه افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است به ذکر است به صورت کلی تمامی موارد اشاره شده باعث افزایش میزان مصرف آب زراعی به ویژه آب‌های زیرزمینی شده است.

تحول در ساخت زراعی (از روستاهای کشاورزی به روستاهای باغ‌ویلایی و افزایش مشاغل خدماتی)

در نتیجه بروز مشکلات متعدد در شرایط محیطی (اقلیمی) در منطقه مورد مطالعه، وضعیت آب زراعی تغییر کرده و در واقع رو به نزول و حتی خشکی سیر کرده که به صورت مستقیم بر معیشت کشاورزان و روستاییان مورد مطالعه به‌ویژه بر معیشت و وضعیت شغلی کشاورزان و روستاییان ساکن در روستایی گلماخانه تأثیر منفی گذاشته، به طوری که براساس گفته افراد مورد مطالعه در روستای گلماخانه دیگر منطقه آنها قابلیت تولید محصولات کشاورزی به‌ویژه محصول انگور را حداقل با کیفیت گذشته نداشته و حتی عنوان کرده‌اند که «به زود باغ‌های آنها خشک خواهد شد»^۱. در دهه‌های گذشته باتوجه به قیمت بالای اراضی کشاورزی، به‌ویژه باغ‌های منطقه و هجوم افراد ساکن در شهر ارومیه و حتی شهر تبریز برای خرید اراضی مورد نظر و تبدیل آن اراضی به باغ‌ویلا، درصد زیادی (اکثریت)

^۱عین جمله‌ی یکی از افراد مصاحبه شده

از کشاورزان منطقه مورد مطالعه حداقل قطعه‌ای از اراضی خود را تفکیک کرده (اگرچه هیچ نظارتی از سوی سازمان‌های دولتی مسئول بر آن تفکیک‌ها نبوده و در بسیاری از مواقع غیرقانونی بوده‌اند) و به فروش رسانده‌اند و خریدار نیز برای رفاه خود و به عبارتی کامل کردن امکانات باغی که در آن ویلا ساخته، اقدام به حفر چاه غیرمجاز نموده و باتوجه به نبود نظارتی بر آن، بدون تعیین حداکثر نیاز آب برداشت می‌نماید. همچنین، با ورود این افراد به منطقه مورد مطالعه، با احداث باغ‌ویلا و جاده‌های درون مزرعه‌ای برای دسترسی خود، باعث ایجاد فضاهای جدیدی در داخل مزارع منطقه شده و از طرفی دیگر بعضی از روستاییان مورد نظر با فروش قطعاتی از باغ‌های خود و یا انجام کارهای خدماتی برای افراد جدید وارد شده به منطقه توانسته‌اند پولی را ذخیره کرده و مسکن سنتی و قدیمی خود را بازسازی و بروز کرده‌اند که این موارد نیز در ایجاد فضاهای جدید در درون روستا مؤثر بوده‌اند.

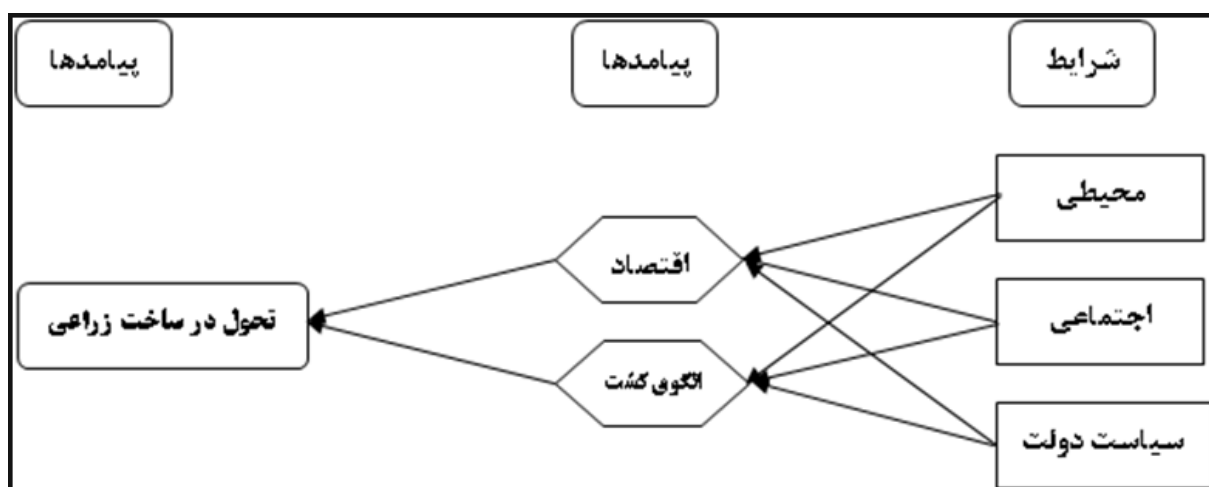
همان‌طور که گفته شد، در حال حاضر خشکسالی‌های پی‌درپی و کاهش نزولات آسمانی، برداشت بی‌رویه و بدون نظارت از منابع زیرزمینی، افزایش حفر چاه‌های غیرمجاز، رعایت نشدن حقایق کشاورزان از رودخانه‌ها به ویژه رودخانه شهرچای و زولاچای و حتی در برخی موارد (مانند روستایی گلماخانه) عدم اختصاص حقایق کشاورزان در سال زراعی ۹۷-۱۳۹۶ باعث مشکلات عدیده‌ای برای کشاورزان شده و باعث تغییر در الگوی کشت و حتی تغییر در روش برآورده کردن معیشت (مثلاً در روستای اقدام به پرورش دام گلمخانه و ساریجالو) شده است.

مقوله‌های عمده استخراج شده در مرحله کدبندی محوری باید دارای ۳ بعد زیر باشند:

۱. بعد شرایطی: عبارت است از کل اوضاع و احوال و یا موقعیتی که پدیده در آن جای دارد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

۲. بعد تعاملی - فرایندی: شامل پاسخ‌های راهبردی یا معمولی‌اند که افراد یا گروه‌ها به مسائل و امور و رویدادهایی می‌دهند که تحت آن شرایط پدید می‌آیند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

۳. بعد پیامدی: پیامدها و نتایج این تعامل‌ها را شامل شده و تحت تأثیر شرایط خاص مربوط به آن است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴۰). نتیجه کدبندی محوری در سه بعد ذکر شده با استفاده از شکل (۳) به صورت گرافیکی ارائه شده است.



شکل (۳) - مدل زمینه‌ای پیامدهای تحولات در ساخت زراعی روستاهای بخش مرکزی شهرستان ارومیه، غرب دریاچه ارومیه

کدبندی گزینشی

فرایند نظریه‌سازی زمینه‌ای در مرحله کدبندی گزینشی تقریباً به اتمام رسیده است. در این مرحله، محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به تدوین نظریه پرداخته و نیازی به کدبندی داده‌های جدید ندارد. مقوله‌های مورد استفاده به لحاظ نظری اشباع شده‌اند و هر کدام بر اساس مفاهیم کدبندی شده مراحل اول و دوم به صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. سپس محقق باید مقوله هسته‌ای را انتخاب کند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴۰). مقوله هسته‌ای به دو شیوه انتخاب می‌شود. در شیوه اول، محقق ممکن است یکی از مقوله‌های موجود را گزینش نماید و در شیوه دوم، وی باید نسبت به تعیین و ساخت یک مقوله جدید اقدام کند (همان منبع: ۳۴۰). در پژوهش حاضر، مقوله هسته‌ای، تحول در ساخت زراعی (از روستاهای کشاورزی به روستاهای باغ‌ویلائی و افزایش مشاغل خدماتی) می‌باشد که سایر مقوله‌های عمده را پوشش می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج به دست آمده، مقوله هسته‌ای، تحول در ساخت زراعی روستا (از روستاهای کشاورزی به روستاهای باغ‌ویلائی و افزایش مشاغل خدماتی) است که کلیه مقوله‌های به دست آمده را پوشش داده و جنبه تحلیلی نیز دارد. همان‌گونه که پیداست، درک تغییرات به وجود آمده در بخش کشاورزی به مثابه تحول در ساخت زراعی روستا و افزایش اشتغال خدماتی در منطقه مورد مطالعه، در قالب یک مدل پارادایمی شامل شرایط، تعاملات و پیامدها نشان داده شده است. بر این اساس، مردم روستاهای مورد مطالعه از بخش مرکزی شهرستان ارومیه واقع در غرب دریاچه ارومیه، پیامدهای تغییرات کشاورزی (تغییر به سمت کشاورزی تجاری، تغییر در اقتصاد روستاها، قطعه قطعه شدن بیشتر اراضی، بازدهی کمتر اراضی، حفر بیشتر چاه‌های غیر مجاز، احداث باغ‌ویلا و افزایش مشاغل خدماتی) را نوعی تحول در ساخت زراعی روستا و افزایش اشتغال غیر کشاورزی درک می‌کنند. پاسخگویان این تغییر و دگرگونی در ساخت زراعی روستا را نوعی بهبود در شرایط اقتصادی زندگی ندانسته، و با نوعی تردید در زمینه تداوم زندگی روستایی مواجه هستند. نتیجه بدست آمده با نتیجه مطالعات حسن‌نژاد (۱۳۷۳)، افراخته و قرنجیک (۱۳۹۴)، افراخته و همکاران (۱۳۹۳)، حسن آبادی (۱۳۷۹) در زمینه‌های قطعه قطعه شدن اراضی، بازدهی کمتر اراضی، احداث باغ‌ویلا (تغییر مالکیت و پراکندگی مالکیت‌ها) مطابقت دارد.

درک پیامدهای تغییرات بخش کشاورزی به مثابه تحول در ساخت زراعی روستا و افزایش روی آوردن به مشاغل خدماتی، متأثر از یک سری شرایط بوده و در نتیجه تعاملات متعدد حاصل شده است. نتیجه نشان داد که در منطقه مورد مطالعه، به دلیل حاکمیت یک سری شرایط مانند عوامل محیطی (تغییرات اقلیمی)، عوامل اجتماعی و ساخت نهادهای سیاسی (سیاست‌های دولت) اقتصاد روستایی و الگوی کشت موجود در مناطق مورد مطالعه را با دو حالت مثبت و منفی تحول و تغییر مواجه کرده است. از یک سو منطقه مورد مطالعه با تغییر اقلیم از جمله خشکسالی‌های پی‌درپی و کاهش نزولات آسمانی و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی روبرو بوده که باعث از بین رفتن محصول در بعضی از مناطق و کاهش کیفیت محصولات باغی از جمله انگور شده و مهاجرت بعضی از روستاییان شده، همچنین، با افزایش جمعیت در مناطق روستایی علاوه بر قطعه قطعه شدن و کوچک‌تر شدن اراضی موجود (به

دلایلی از جمله قانون ارث و ...، فشار بیشتری بر منابع محدود آب‌های زیرزمینی خواهد آمد. از سویی دیگر باتوجه به افزایش غیرقابل تصور باغ‌ویلاها (ویلاسازی) در مناطق مورد مطالعه و بی‌ثباتی در اجرای قوانین مربوط به بخش آب کشاورزی و به عبارتی عدم نظارت دقیق بر میزان برداشت آب‌های زیرزمینی به علت ناهماهنگی سازمان‌های دولتی مرتبط با روستا و بخش کشاورزی روز بروز بر منابع روستایی و بخش کشاورزی از جمله منابع آب‌های زیرزمینی فشار بیشتری وارد شده به طوری که در بعضی از روستاها از جمله گل‌مانخانه آب به مرز شوری رسیده است و بر روی کیفیت محصولات باغی تولیدی تأثیر گذاشته است. نتیجه بدست آمده با نتیجه مطالعات حسن‌نژاد (۱۳۷۳)، حسن آبادی (۱۳۷۹)، مرادی (۱۳۷۹) و اسماعیلی (۱۳۷۴) در زمینه قطعه‌قطعه شدن اراضی و مالکیت‌های کوچک، تشدید مهاجرت‌ها، تغییر در روابط شهر و روستا (ویلا سازی و ارائه خدمات روستاییان به صاحبان ویلاها) و ورود سرمایه‌های غیربومی به مناطق روستایی همخوانی دارد. تحت تأثیر شرایط به وجود آمده، مردم روستاهای مورد مطالعه، در راستای بهبود شرایط خود، دست به اقداماتی زده‌اند. به عبارتی در برابر شرایط موجود، پاسخ‌ها و تعاملات خاصی از خود بروز داده‌اند. این تعاملات به صورت دو مقوله نمود پیدا کرده‌اند: عوامل اقتصادی و تغییر در الگوی کشت. مردم روستاهای مورد مطالعه در پاسخ به شرایط مذکور، که به صورت شرایط مثبت (مربوط به حذف خانه‌های سنتی و ایجاد فضاهای جدید در داخل روستا با استفاده از درآمد بدست آمده از فروش اراضی کشاورزی و درآمد حاصل از مشاغل خدماتی و ایجاد فضاهای جدید در داخل مزارع (راه‌های درون مزرعه‌ای) توسط صاحبان ویلاها برای دسترسی آسان‌تر به ویلاها و مراکز خدماتی) و شرایط منفی (بروز خشکسالی، قطعه‌قطعه شدن اراضی، کاهش سطح تولید، کاهش آب‌های زیرزمینی، مهاجرت جوانان و نیوروه‌های مولد بخش کشاورزی، پراکندگی هرچه بیشتر مالکیت‌ها، ورود سرمایه‌های غیربومی به منطقه و رکود تولید کشاورزی به‌ویژه تولیدات باغی) ظاهر شده، به سمت فروش اراضی زراعی و رجوع به مشاغل خدماتی رفته‌اند. فروش اراضی زراعی (برای تبدیل به باغ‌ویلا) باعث افزایش ویلاسازی در منطقه شده که این افزایش علاوه بر دارا بودن نکات منفی که گفته شد، نیازمند مراکزی برای دریافت خدمات و سرویس‌دهی بوده و همچنین به علت اینکه بسیاری از صاحبان باغ‌ویلاها در زمینه کشاورزی و باغبانی داری تجربه نسیتند، لذا، برای تأمین آن نیازمندی‌ها مشاغل جدید خدماتی در زمینه‌های مختلف کشاورزی و باغبانی به‌وجود آمده است. همچنین، همان‌طور که گفته شد، روستاییان مورد مطالعه از الگوهای مختلفی برای گذران زندگی و تأمین معیشت خود بهره جسته‌اند. بعضی از خانوارها اراضی بیشتری را به نسبت گذشته تحت کشته قرار می‌دهند که این دسته با مقدار اضافی را اجاره (یا سهم-بری) و یا از طریق آبی کردن اراضی دیم خود هدف خود را دنبال می‌کنند. گروهی دیگر از خانوارهای مورد مطالعه با تغییر در الگوی کشت خود به سمت کاشت محصولات تجاری و با تقاضای بیشتر در بازار (مانند کاشت ارقام زودرس محصولاتی مانند انگور، هلو، سیب و...) به سمت افزایش سطح درآمد خانوار رفته‌اند. در این گروه از کشاورزان مورد مطالعه معمولاً بخشی از اراضی کشاورزی خود را برای ساخت ویلا به فروش رسانده‌اند که به صورت کلی علاوه بر اینکه سطح کلی اراضی خانوار کاهش یافته، تعداد قطعات اراضی کشاورزی در روستاهای مورد مطالعه افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است به ذکر است به صورت کلی تمامی موارد اشاره شده باعث افزایش میزان مصرف آب زراعی به ویژه آب‌های زیرزمینی شده است. در نتیجه تعاملات مذکور، تحول در ساخت زراعی

از روستاهای کشاورزی به روستاهای باغ ویلایی و افزایش مشاغل خدماتی) رخ داده و مشاغل خدماتی مختلفی نسبت به گذشته به وجود آمده است. و به صورت کلی می‌توان گفت تحول در ساخت زراعی در روستاهای مورد مطالعه در بخش مرکزی شهرستان ارومیه واقع در بخش غربی دریاچه ارومیه در جهت منفی با احتمال خالی شدن هرچه بیشتر روستاهای مناطق مورد مطالعه رخ داده است.

در راستا نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود: اقداماتی اساسی از سوی دولت جهت بهبود وضعیت روستا به‌ویژه زیرساخت‌های مربوط به آب زراعی در جهت بالابردن بهره‌وری آن صورت گیرد تا امید به آینده‌ای بهتر در روستایان مورد مطالعه افزایش یافته قصد خروج از روستا را ننمایند. همچنین، پیشنهاد می‌شود با بررسی‌های علمی و کارشناسانه واقعی به بررسی و پتانسیل سنجی منطقه برای تعیین الگوی کشت جدید در تک تک روستاهای منطقه مورد مطالعه با توجه به میزان منابع آبی - خاکی و سایر عوامل تأثیرگذار پرداخته شود. از طرفی دیگر با توجه به وجود تعداد بالای چاه‌های غیرمجاز در باغ‌ویلاهای مناطق مورد مطالعه و عدم نظارت دقیق بر آنها، پیشنهاد می‌شود قبل از انجام هر کاری وضعیت آنها تعیین تکلیف شده و سپس به اجرای برنامه‌های دیگر پردازند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر بخشی از نتایج یک رساله‌ی دکتری است، لذا، از تمامی کسانی که در تمامی مراحل تحقیق به غنی شدن این کار کمک کرده‌اند، تشکر می‌شود. همچنین از قبل، قدردان داوران محترم که با ارائه نظرات خود باعث پُربارتر شدن این مطالعه خواهند شد، هستیم.

منابع

- اسماعیلی، فضل‌اله (۱۳۷۴). بررسی دگرگونی ساخت زراعی روستاهای شهرستان الیگودرز. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی.
- افراخته، حسن (۱۳۷۸). عوامل مؤثر در تحول ساخت زراعی مطالعه موردی چابهار. اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۵، صص ۱۴۵-۱۲۳.
- افراخته، حسن و قرنجیک، عبدالمجید (۱۳۹۴). تبیین تحولات نظام زراعی، عوامل و نتایج آن: مطالعه موردی شهرستان ترکمن، استان گلستان ۹۰-۱۳۷۰. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره ۲، صص ۱۷۲-۱۵۳.
- افراخته، حسن؛ عزیزپور، فرهاد و بیات، مصطفی (۱۳۹۳). تحولات مورفولوژی زراعی سکونتگاه‌های روستایی دهستان صالحان (شهرستان خمین) دوره ۸۵-۱۳۴۱. جغرافیا و توسعه، شماره ۳۷، صص ۸۴-۷۱.
- آشیر، کارل و استاز، جان (۱۳۷۷). اقتصاد کشاورزی و فرایند توسعه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد و احمد ایزدپناه، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- آمار، تیمور و رضایی، پرویز (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در تحولات نظام زراعی دهستان رحمت آباد (شهرستان رودبار) در دهه ۸۰-۱۳۷۰. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۱۱۳-۱۰۱.

پاپ زن، عبدالحمید، پرستو، قبادی، کیومرث، زرافشانی، و شهپر، گراوندی (۱۳۸۹). مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی (مورد: روستای حریر استان کرمانشاه)، پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۳، صص ۵۲-۲۵.

جمشیدی، معصومه؛ جمشیدی، علیرضا و شیخی، حجت (۱۳۹۵). ارائه روش نظریه زمینه‌ای برای مدل‌سازی مفهومی پیامدهای تغییرات اقتصادی در روستاهای شهرستان چرداول: مطالعه‌ی موردی روستاهای مسیر راه کربلا در دهستان شباب. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۱، صص ۱۸۴-۱۶۳.

حسن‌آبادی، رضا (۱۳۷۹). تحولات ساختار زراعی روستاهای دهستان پیوه ژن بخش احمدآباد مشهد - ۱۳۷۵-۱۳۴۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی.

حسن‌زاده، یوسف (۱۳۷۳). بررسی ساختار زراعی و روند تحولات آن در روستاهای دشت مهاباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی.

خادم‌آدم، ناصر (۱۳۷۶). ایجاد تحول در نظام بهره‌برداری کشاورزی. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۹-۱۲۰.

دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۴). تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی، تهران: انتشارات دانشور رفتار، دانشگاه شاهد.

دانایی‌فرد، حسن، سید مهدی، الوانی، و عادل، آذر (۱۳۸۳)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.

درئو، ماکس (۱۳۷۴). جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات رایزن، مشهد.

دولفوس، اولیویه (۱۳۷۰)، تحلیل جغرافیایی، ترجمه‌ی سیروس سهامی، نشر نیکا، تهران.

دهقان، مهدی و بافکر، یوسف (۱۳۷۰). تحلیلی پیرامون ضرورت تحول در واحدهای بهره‌برداری اراضی کشاورزی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

زنگنه‌تبار، جهانبخش (۱۳۷۶). تحول ساخت زراعی در مناطق روستایی کرمانشاه (۱۳۴۰-۱۳۷۵)، مورد: دهستان قره‌سو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی.

سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، پویا ساختاری- کارکردی، رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی- فضایی، فصل‌نامه‌ی جغرافیا، سال نهم، شماره‌ی ۲۹، صص ۷ تا ۱۶.

سعیدی، عباس (۱۳۹۱)، مفاهیم بنیادین در برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی (بخش نخست)، برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی، سال اول، شماره‌ی اول، صص ۹ تا ۲۶.

سفیری، خدیجه (۱۳۸۹)، روش تحقیق کیفی، تهران: موسسه انتشارات و پخش کتاب برآیند پویا، چاپ اول.

سلیمی، قربانعلی (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در آموزش و پرورش. اصفهان، انتشارات گویا.

لوبو، رنه (۱۳۵۴). بنیان‌های زراعی در جهان، ترجمه محمود محمودپور، دانشگاه تبریز.

محمد پور، احمد، محمدتقی، ایمان (۱۳۸۷)، «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامانات تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ساز»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲۱۳-۱۹۱.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی، ضد روش (منطق و طرح در روش-شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.

مرادی، خدیجه و آگهی، حسین (۱۳۹۳). واکاوی چالش‌های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی. جغرافیا و توسعه، شماره ۳۴، صص ۱۸۱-۱۶۷.

مرادی، محمد (۱۳۷۹). تحولات مورفولوژی زراعی سکونتگاه‌های روستایی طی دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۴۱، مورد دهستان بابارشانی (شهرستان بیجار). پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی. نادری، عزت‌اله و سیف‌نراقی، مریم (۱۳۷۸). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران، انتشارات بدر.

نظری، حمید (۱۳۷۲). شکل‌گیری روند تحولات روستاهای ترکمن صحرا، مورد مجموعه اوپا زا. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی.

ولدخانی، عباس (۱۳۷۰). تحلیل و عامل مؤثر در رشد تولید بخش کشاورزی (زراعت) ایران، دانشگاه تهران.

هایامی، یوجیرو و روتان، ورنون (۱۳۷۸). توسعه کشاورزی، ترجمه مجید کویاهی، انتشارات وزارت کشاورزی.

هومن، حیدر علی (۱۳۸۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران: انتشارات سمت.

Egan, T (2002), "Grounded Theory: Research and Theory Building", *Advances in Developing Human Resources*, Vol. 4, No. 3, Pp277-295.

Mehmetoglu, M, and Altinay, L (2006), "Examination of grounded theory analysis with an application to hospitality research", *International Journal of Hospitality Management*, vol. 25, No. 7, pp. 12-33.

Pandit, N. R (1996), "The creation of theory: A recent application of grounded theory method", *Qualitative Report*, Vol. 2, No. 4, <http://www.nova.edu/ssss/qr/qr2-4/Pandit.htm/>

